

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹۴ - ۲۷۳

شاهدان روز قیامت بر اساس تفسیر مآثور البرهان فی تفسیر القرآن

زهرا محققیان گورتانی^۱

محمد رضا آرام^۲

امیر توحیدی^۳

چکیده

یکی از موضوع‌های ارزشمند در روز قیامت، شاهدانِ موافقِ این روز و گستره نظارت آنان است. خداوند نظارت اخروی را به اولیای خویش - یعنی انبیا و اوصیا و به‌ویژه رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) - سپرده است. درباره شاهدان در روز قیامت، گفتارهای بسیاری بیان شده است و الگوهای را مانند دادگری، نیکویی و میانه‌روی را با نگرش بر امت وسط شناسانده‌اند. سید هاشم بحرانی، نویسنده تفسیر مآثور البرهان فی تفسیر القرآن، بر پایه آیات قرآن و منابع روایی، کوشیده است تا شاهدان روز قیامت را بشناساند. بحرانی باور دارد که شاهدان، ویژگی‌هایی دارند، مانند مقام عصمت و علم به باطن اعمال و نظارت آنان، هم بر زندگی دنیوی و هم بر زندگی اخروی است. این نوشتار می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی، همراه با بررسی دیدگاه بحرانی درباره معرفی شاهدان روز قیامت، آن را بر پایه آیات قرآن و روایات بسنجد.

واژگان کلیدی

شاهدان روز قیامت، نظارت رسول خدا(ص)، شهادت ائمه معصومین(ع)، بحرانی،

امت وسط.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: z_mohagheghian@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

Email: aram.mohammadreza@yahoo.com

اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: amir_tohidi_110@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۹ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۴/۲۰

طرح مسأله

نظارت الهی، یکی از موضوع‌هایی است که دیدگاه‌هایی درباره آن بیان شده است. بحرانی، یکی از مفسران امامیه، باور دارد که پیامبران در میان امت، دو وظیفه برجسته رسالت و نظارت بر رفتار انسان‌ها را به عهده دارند. (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۱۴۹)

همه مفسران شیعه و بیشتر مفسران اهل سنت، وظیفه پیامبران را، هم رسالت و هم نظارت می‌دانند. بر پایه این دیدگاه، در روز قیامت، هر امتی شهادی از میان خود دارند:

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ (نحل: ۸۹)

این آیه می‌گوید که اولیای الهی، از همه افعال و اعمال انسان‌ها آگاه‌اند و در زندگی دنیا و روز رستاخیز، هیچ چیز از آنها پوشیده نمی‌ماند. از آنجا که شهادت در روز قیامت از برای اتمام حجت بر انسان و صدور حکم پایانی اعمال خوب و بد آنها انجام می‌شود، باید همراه با حقیقت باشد. به سخن دیگر، فقط شهادت شهادی حجت را بر انسان تمام می‌کند که شهادتش بر پایه شهود و حضور باشد و در شهادت خود، درستکار باشد. اکنون پرسش این است که آیا نظارت در روز رستاخیز، دربردارنده همه پیامبران است - مانند پیامبر اکرم (ص) - و مراد از امت وسط - که بر اعمال مردم شاهدند - چه کسانی‌اند؛ همه مسلمانان‌اند یا گروهی ویژه؟

با اینکه گفتار شاهدان روز قیامت، در آیات و روایات آمده است، ولی نوشتاری در این زمینه بر پایه تفسیر مأثور البرهان در دست نیست. این پژوهش می‌کوشد تا دیدگاه‌های بحرانی درباره شاهدان اعمال و ویژگی‌های آنها را تبیین کند. در این مقاله، روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است و در استناد به داده‌های اسنادی و در بررسی و واکاوی محتوای کیفی، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است.

مفهوم‌شناسی

«نظارت» بر گرفته از واژه‌های نظر، ينظر، نظراً، به معنای نگاه کردن و شاهد چیزی بودن است. دیدن، گاهی با چشم است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ (توبه: ۱۲۷)

گاهی نیز با قلب است. اگر مشاهده با قلب باشد، مراد از آن، تدبیر و تأمل است. گاهی مراد، معرفت به دست آمده از تأمل است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۶۶) نظارت از آن خداست، ولی خداوند کار نظارت را بر دوش کسانی گذارده است. شاهد به معنای گواه، اسم فاعل و برگرفته از شهد است، به معنای حضور و آگاهی دادن. شهادت و شهود یعنی حضوری که همراه با مشاهده باشد؛ خواه از چشم سر یا با مشاهده قلب. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۱۲)

شاهد در شهادت، از چیزهایی خبر می‌دهد که از روی یقین دیده است؛ آن‌سان که هیچ چیزی از گستره نگاه او پنهان نباشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳۸) در نگاه نخست، این ویژگی در خداوند متعال و سپس در انبیا و اوصیای الهی، به ویژه رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (ع) دیده می‌شود.

در آیات و روایات، چند گروه از شاهدان روز قیامت آمده است که در زیر به آنها می‌پردازیم.

شاهدان روز قیامت از دیدگاه قرآن و روایات

۱. خداوند سبحان

در جایگاه سنجش اعمال، خداوند میان بندگان، هم داور و هم شاهد است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ** (آل عمران: ۹۸) خدا عمل بندگان را می‌نویسد و آن‌ها را می‌داند. او خود، آفریننده همه آفرینش است و نخستین گواه بر اعمال بندگان. هیچ امری از خدا پنهان نیست، بلکه او از نیت انسان‌ها نیز آگاه است. در قرآن کریم می‌خوانیم: **إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ** (حج: ۱۷)؛ بی‌گمان خداوند بین مؤمنان و دیگران جدایی می‌افکند؛ چراکه به راستی او بر همه موجودات عالم گواه است.

در ذیل تفسیر این آیه، از واژه «فصل» به معنای قضا و حکم به حق میان مؤمنان و دیگران از مذاهب گوناگون تعبیر شده است؛ یعنی در روز قیامت، هیچ حجابی پیش روی حکم حق را نمی‌گیرد؛ چراکه خداوند بر اعمال شاهد است (طباطبایی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۴، ص ۳۹۲) و اعمال آنها را از ریز و درشت، می‌نویسد تا پاداش آنها را بدهد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: فَلَنَقُصَّنَّ عَنْهُمْ بَعْلَمَ وَا مَا كُنَّا غَائِبِينَ (اعراف: ۷)؛ و بی‌گمان (اعمال‌شان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد. و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه‌جا حاضر و ناظر بر اعمال بندگانیم).

۲. پیامبران الهی

همه پیامبران الهی، به اذن خدا، بر رفتار انسان‌ها ناظرند. در آیات قرآن، نظارت در معناهای گوناگونی آمده است؛ مانند پیامبران الهی که در جایگاه شاهد شناسانده شده‌اند. یکی از آنها، عیسی (ع) است:

وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ (مائده: ۱۱۷)؛ و من بر آن مردم، مادامی که در میان آنها بودم، گواه و ناظر اعمال بودم و چون روح مرا گرفتی، تو خود نگهبان و ناظر اعمال آنان بودی.

در میان امت، پیامبران الهی دو وظیفه رسالت و نظارت بر رفتار مردم را به عهده دارند؛ (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۶۳؛ بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۱۴۹) ولی گروهی از علمای اهل سنت، وظیفه پیامبران را فقط رسالت می‌دانند و شهادت آنان را فقط بر انجام دادن رسالت و کار رساندن دین و واکنش به ایمان و کفر امت در برابر آنها بیان داشته‌اند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۴۶۶؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۰۹؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۲۶)

خداوند در آیه ۸۹ از سوره نحل می‌فرماید: يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ؛ روزی را که در هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان برمی‌انگیزیم. مراد از شهید، پیامبر هر امت است؛ زیرا پیامبران در دنیا حجت را بر مردم تمام می‌کنند. بنابراین، فقط شهادت آنان در روز قیامت پذیرفته است. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱ش، ج ۹، ص ۴۴۵)

گروهی از مفسران، شهادت پیامبران را لفظی می‌دانند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۸۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۵) ولی گروهی آن را تکوینی بیان می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۲۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۴)

شهادت شاهدان با این دو روش است:

۱. حقیقت را روشن می کند و هیچ کشمکش در آن نیست؛
۲. شهادت آنها راه هر بهانه ای را بر مجرمان می بندد و شهادت در روز قیامت، زبانی نیست، بلکه اعمال امت بر شاهد امت نمایان می گردد.

۳. پیامبر اکرم (ص)

مفسران، حقیقت شهادت رسول خدا (ص) را در روز قیامت، با دو دیدگاه بررسی کرده اند:

الف) رسول خدا (ص) بر امت اسلام و امت های دیگر شاهد است: خداوند، پیامبر (ص) را، هم شاهد و ناظر بر امت خود و هم امت های دیگر می شناساند. این ویژگی، جایگاه والای پیامبر (ص) را نشان می دهد. گستره حضور پیامبر (ص)، از آغاز آفرینش تا روز واپسین دنیاست و یکایک بشر در زیر نظارت او جای دارند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: *يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ* (نحل: ۸۹)؛ روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم و تو را بر آنان گواه قرار می دهیم. شهادت پیامبر (ص) درباره امتش در روز قیامت، از برای جایگاه ویژه او در پیشگاه خداوند، به گواهی دیگران نیازی ندارد و مستند شهادت پیامبر (ص) درباره اعمال امت، خود نشانه ای است که خداوند در روز رستاخیز برای او آشکار می نماید. (آلوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۰۰) ولی باید گفت که شهادت پیامبران دیگر، به تصدیق پیامبر (ص) نیاز دارد.

چون گستره مأموریت پیامبر (ص) و امامان (ع) جهانی است، چنین کار گسترده ای بدون آگاهی بر زمان و مکان ممکن نیست. امام باقر (ع) می فرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَعْطَاهُ مِنَ الْعِلْمِ بَعْضَهُ مَا خَلَا النَّبِيَّ (ص) فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنَ الْعِلْمِ كُلَّهُ فَقَالَ تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت، مگر اینکه بخشی از علم را به او داد؛ به جز پیامبر اکرم (ص) که به او، همه علم را ارزانی فرمود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: *تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ* (نحل: ۸۹) (برازش، ۱۳۹۴ش، ج ۷، ص ۷۰۴) او از همه رویدادهای گذشته و آینده و از اعمال امت ها آگاه است. در روایات شیعه آمده است که علم ما کان و ما یکون در قرآن است و رسول خدا (ص) از همه آن آگاه است و همین، گستره علم آن حضرت را

نشان می‌دهد.

ب) پیامبر(ص) بر شهیدان شاهد است: بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت باور دارند که رسول خدا(ص) نه فقط بر امت خود و امت‌های دیگر، بلکه بر مقام شهدا و اعمال آنان نیز شاهد است. (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۹۱۰؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۶؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۷۱؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۲، ص ۱۴۸) به سخن دیگر، پیامبر(ص) بر پیامبران دیگر و ائمه معصومین(ع) شاهد است و شهادت آن حضرت بر امت خود، با دست ائمه معصومین(ع) انجام می‌پذیرد.

در آیه ۴۱ از سوره نساء آمده است: وَحِثْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا. در آیه ۸۹ از سوره نحل نیز چنین می‌خوانیم: وَحِثْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ. مراد از واژه «هَؤُلَاءِ» در این دو آیه، ائمه معصومین اند(ع). خداوند در روز قیامت، همه مردم را گرد هم می‌آورد و از آنها می‌پرسد و هیچ کس حق سخن گفتن ندارد: اِلَّا مَنْ اُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (نبا: ۳۸)؛ هیچ کس حق سخن گفتن را ندارد، مگر کسانی که خداوند به آنها اجازه دهد و سخن به راستی گویند. این در زمانی است که ائمه معصومین(ع) بر این سخن گفتن شهادت می‌دهند. (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، ص ۳۳۳) شهادتی که رسول خدا(ص) برای انبیا و ائمه(ع) می‌دهد، بر پایه جایگاه و مقاماتی است که آنها دارند، چون درجه و جایگاه رسول خدا(ص) بسیار بالاست و جایگاه پیامبران و امامان، پایین تر است. امامان نیز در روز قیامت به دستور خداوند بر اعمال امت شهادت می‌دهند. هم چنین از آیات ۴۱ از سوره نساء و ۸۹ از سوره نحل چنین برمی‌آید که بر پایه تعیین مرجع کلمه «هَؤُلَاءِ» است که گروهی از مفسران، واژه «هَؤُلَاءِ» را امت زمان پیامبر(ص) دانسته‌اند، (بیضاوی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۳۷) گروهی به امت پیامبر(ص) تا روز قیامت، (آلوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۵) و دسته‌ای نیز باور دارند که شاهدان امت‌ها، پیامبران و ائمه‌اند(ع). (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۸)

این واژه، برتری سوم پیامبر(ص) را بر شاهدان دیگر بیان می‌کند؛ زیرا ایشان نه فقط بر امت خود، بلکه بر همه پیامبران و ائمه(ع) شاهد است. شهادت پیامبر(ص) بر امتش به دست ائمه معصومین(ع) انجام می‌شود. (تاج‌آبادی، ۱۳۹۶ش، ص ۴۱۵) هم چنین در آیه ۶۹

از سوره زمر که خداوند می فرماید وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ، عطف شدن شهدا بر نبیین، گویای این است که به جز پیامبران، شاهدانی دیگر در روز رستاخیز هستند.

«وَ جِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ قَالَ الشُّهَدَاءُ الْأَيْمَةَ (ع) وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُهُ فِي سُورَةِ الْحَجِّ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا أَنْتُمْ يَا مَعْشَرَ الْأَيْمَةِ شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ.» در عبارت «وَ جِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ»، مراد از شهدا، ائمه اند (ع)؛ چون خداوند در سوره حج می فرماید: «تا پیامبر بر شما گواه باشد. و ای گروه ائمه (ع)، شما گواهان بر مردم باشید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۳۴۱)

بنابراین در روز قیامت، پیامبر (ص)، هم بر شاهدان امت‌ها شهادت می دهد و هم بر شاهدان امت خود شاهد است و این امر بیانگر جایگاه پیامبر (ص) و ولایت آن حضرت بر پیامبران و ائمه (ع) در دنیا و عقباست.

در زیارت جامعه درباره ائمه معصومین (ع) چنین روایت شده است: «وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ»؛ (قمی، ۱۳۹۷ش، ص ۸۹۱) خداوند شما ائمه را ارکان توحید و گواهان بر خلق قرار داد. وظیفه انسان این است که خدا را به یگانگی بشناسد و به وحدانیت خدا اقرار کند. بندگی او وقتی مایه رستگاری و رهایی آدمی در سرای آخرت خواهد بود که بر پایه اقرار به امامت و ولایت ائمه دین (ع) همراه با پیروی و معرفت به آنان باشد.

بحرانی، روایتی را از امام محمدباقر (ع) به نقل از برید عجلی در ذیل آیه ۷۸ از سوره حج که خداوند می فرماید «وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» آورده است. در این روایت، حضرت می فرماید: «رسول خدا (ص) بر آنچه خداوند با زبان او به ما ابلاغ کرده است، گواه بر ماست و ما گواهانی بر مردمیم. پس هر کس ما را تصدیق کند، ما در روز قیامت او را تصدیق می کنیم؛ و هر کس ما را تکذیب کند، در روز قیامت او را تکذیب می کنیم.» (بحرانی، ۱۳۹۸ش، ج ۶، ص ۴۷۴)

بنابراین ائمه، شهدای امت پیامبرند (ص) و پیامبر بر شهدای امتش شاهد است و مراد از ناس، امت پیامبر (ص) و شهید هر عصر، امام همان زمان است.

فخررازی، مراد از ناس در آیه ۷۸ از سوره حج را امت‌های پیشین؛ و مراد از ضمیر «وَتَكُونُوا» را مسلمانان می داند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱،

ص ۴۱۶) مسلمانان در روز قیامت، بر امت‌های پیشین شاهدند و درباره کفر آنان، به پیامبرشان گواهی می‌دهند. پیامبر(ص) نیز بر مسلمانان شاهد است و شهادت مسلمانان بر امت‌های پیشین را می‌پذیرد.

پس، رسول گرامی بر مقام شهدا شاهد است و لازم نیست که رسول خدا(ص) هم دوره همه شهدا باشد. پیامبر(ص) می‌فرماید: «مَنْ زَارَتِي بَعْدَ وَقَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَتِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۴۵) کسی که مرا پس از درگذشتم زیارت کند، مانند کسی است که در زندگانی‌ام دیدار کرده است. من در هر دو زمان، بر او شاهد و گواهم و شفاعت او را در روز قیامت بر گردن می‌گیرم.

با نگرش به آیه ۱۱۷ از سوره مائده، شهادت پیامبران بر اعمال امت‌شان به زمان زندگانی آنان وابسته نیست، بلکه حضور معنوی آنان پس از مرگ‌شان نیز به چشم می‌خورد.

۴. شهادت ائمه معصومین(ع)

در قرآن کریم چند آیه شهادت ائمه معصومین(ع) را در جایگاه یکی از شهود امت در روز قیامت بیان می‌دارد؛ مانند: آیات ۸۴ و ۸۹ از سوره نحل؛ ۷۸ از سوره حج؛ ۴۱ از سوره نساء؛ ۷۵ از سوره قصص؛ ۱۴۳ از سوره بقره؛ ۱۰۵ از سوره توبه. این آیات، نظارت ائمه(ع) را به روشنی بیان نمی‌کنند، ولی با نگرش به نشانه‌ها و شواهد عقلی و نقلی، می‌توان آن‌ها را با امر نظارت همخوان دانست.

بحرانی می‌گوید: «و يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً؛ هر امتی در هر زمانی، امام و پیشوایی دارد و هر امتی به همراه امام خود برانگیخته می‌شود. خداوند، پیامبر(ص) را شاهد و گواه بر ائمه کرده است: «شَهِيداً عَلَيَّ هَؤُلَاءِ.» ائمه بر مردم شاهدند.

امام صادق(ع) فرمود: «نَحْنُ وَ اللَّهُ نَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ مَا فِي النَّارِ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ؛» به خدا سوگند، ما اخبار آسمان‌ها و زمین، بهشت و دوزخ و هر چه در بین آن‌هاست را می‌دانیم.

«إِنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ تَبَيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ تَبَيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ؛» این علم برآمده از کتاب خداست که توضیح و بیان همه چیز در آن یافت می‌شود. (بحرانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۵، ص ۷۲۴)

هم چنین بحرانی پیرامون آیه «نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا» می گوید که از هر فرقه از این امت، امامش را به جایگاه گواهان می آورند. (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۱۴۹)

بنابراین، اگر امامی در میان آن امت باشد، مراد آن امامی است که بر اعمال آن گروه شاهد خواهد بود.

امام صادق (ع) فرمود: «نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى شِيعَتِنَا وَ شِيعَتُنَا شُهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ وَ بِشَهَادَةِ شِيعَتِنَا يُجْرَوْنَ وَ يُعَاقَبُونَ»؛ ما شاهد و گواه شیعیان خودیم و شیعیان ما گواهان مردم اند و مردمان دیگر با گواهی شیعیان ما پاداش و عذاب می بینند. (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۴۲)

آیه ۸۹ از سوره نحل، گروهی را بیان می کند که پیامبر (ص) به سوی آنها فرستاده شده است و از مصادیق آن، مردمی است که پیامبر دارند. بنابراین، مراد از شهید و گواه هر امت، پیامبر آن امت نیست، بلکه خوبان آن مردم اند.

یکی از آیاتی که درباره نظارت ائمه معصومین (ع) به آن گواهی می شود، آیه ۱۴۳ از سوره بقره است. خداوند در این آیه می فرماید:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛
چنان که شما را نیز امتی میانه قرار دادیم تا شما بر مردم گواه باشید و پیامبر (ص) هم بر شما گواه باشد.

مفهوم امت وسط، ترکیب وصفی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۸) معنای وسط، چیزی است که دو سوی آن برابر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۴۹۸) یا چیزی است که بین افراط و تفریط قرار دارد. (همان، ج ۷، ص ۴۲۹) مصادیق بسیاری برای امت وسط بیان شده است که در زیر برخی را بیان می کنیم.

عدالتِ امتِ وسط

گروهی از مفسران، امت وسط را همه مسلمانان می دانند و گروهی نیز واژه «وسط» را در معنای عدل به کار می گیرند و امت وسط را امت عادل می دانند. (ابن عاشور، ۱۹۹۷م، ۱۷۹/۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۱۲/۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۸۵/۴) هواداران این دیدگاه می گویند که خداوند از این رو امت اسلام را عادل قرار داد تا در روز قیامت، بر امت های دیگر شاهد و گواه باشند و آنگاه که آنان رسالت پیامبرشان را انکار کنند، پیامبر (ص) شهادت آنان را

می‌پذیرد و امضا می‌کند. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۱۴/۲) این دیدگاه با باور تشیع ناسازگار است.

در نقد این دیدگاه، آیه ۳۲ از سوره فاطر را گواه می‌آورند که خداوند می‌فرماید:

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْتِي اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

در این آیه، مسلمانان زمان پیامبر(ص) در سه گروه آورده شده‌اند: ظالم به نفس، مقتصد، و سبقت‌گیرندگان به نیکی. در اینکه مراد از این سه گروه امت است، همه مفسران هم‌رأی‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ۸۸/۲۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۳۲/۹) گروهی از مفسران می‌گویند که مراد این آیه، گناهکار بودن همه مسلمانان است، ولی در جرم گناه هم‌پایه نیستند. (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ۵۴۲/۴) گروهی نیز باور دارند که دو گروه ظالم به نفس و میانه‌روها گناهکارند، ولی گروه سابق به خیرات، نه فقط گناهکار نیستند، بلکه امام دو گروه دیگرند. بحرانی، روایتی را از امام محمدباقر(ع) درباره جایگاه امامت آورده است که از امام درباره آیه ۳۲ از سوره فاطر پرسیدند و ایشان فرمود: «همه اینان از آل محمدند. ظالم به نفس خود، کسی است که به وجود امام اعتراف و اقرار نمی‌کند. مقتصد، کسی است که امام را می‌شناسد و «سابق بالخیرات» یعنی امام.»

سپس امام فرمودند: «در روز قیامت، هر کس با امام خود فرا خوانده می‌شود.» (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ۵۹۱/۷)

هم‌چنین بحرانی به نقل از کلینی در کافی، و محمد بن حسن صفار در بصائر الدرجات، و صدوق در معانی الاخبار، و طبرسی در الاحتجاج، و ابن شهر آشوب در مناقب، مراد از «سابق بالخیرات» را ائمه اطهار(ع) می‌دانند. (همان، ۵۹۸)

از ویژگی‌های شاهد، عدالت است که با گواهی این آیه، همه مسلمانان عادل نیستند. شیعه باور دارد با اینکه صحابی بودن یک افتخار است، ولی نمی‌توان برتری عدالت را برای همه آنها، مطلق و عام در نظر گرفت.

درباره عدالت شاهد، دیدگاه‌هایی بیان شده است؛ مانند: مراد از عدالت، در روز قیامت است، نه در دنیا؛ زیرا عدالت در زمان ادای شهادت لازم است. از این رو، خداوند

همه امت اسلام را در روز قیامت عادل برمی‌انگیزد تا از این راه برتری آنها را بر امت‌های دیگر نشان دهد. این امر به دست پیامبر (ص) رخ می‌دهد که شهادت امت بر ضد امت‌های دیگر را می‌پذیرد. (بروسوی، بی تا، ۲۴۸/۱)

بر این دیدگاه نقدی زده شده است. با نگرش به فعل ماضی «جَعَلْنَا»، این دلیل با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا صفت امت در دنیا، عدالت است و اگر مراد، وصف عدالت فقط در روز رستاخیز بود، باید فعل ماضی در آینده به کار برده می‌شد و این با ظاهر آیه ناهمخوان است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۰۴/۱)

پس، نمی‌توان همه امت را عادل نامید و به عدالت آنان شهادت داد؛ زیرا خداوند گروهی از امت را ستمگر شناسانده است. بنابراین چگونه می‌شود که پیامبر (ص) بر عدالت آنان با نگرش به خطاهایی که انجام داده‌اند شهادت دهد؟ نشانه‌های تاریخی در صدر اسلام، ناعدالتی در میان همه امت اسلام را آشکار می‌گرداند؛ زیرا برخی از صحابیان، کارهایی ناسازگار با قرآن و سنت رسول خدا (ص) انجام می‌دادند. برای نمونه، برای نگهداری از جان و جایگاه خود، به اسلام و همراهی با رسول خدا (ص) تظاهر می‌نمودند و گروهی نیز گناهمانی مانند فسق، گریز از جنگ و جهاد، پیمان‌شکنی با خدا و رسولش، افشای رازهای رسول خدا (ص) و برخورد نادرست با آن حضرت، ارتداد، نفاق و... را آشکارا انجام می‌دادند که همگی، نشانه این است که نمی‌توان همه را عادل دانست. پس، بی‌ارزش بودن این دیدگاه روشن می‌شود.

برگزیده بودن امت وسط

خداوند در قرآن، امت را با اوصافی مانند خیر (آل عمران: ۱۱۰)، اصطفاء (فاطر: ۳۲)، اجتناء (حج: ۷۸)، وسطیت و... آورده است. گروهی از مفسران، بر پایه آیه ۱۱۰ از سوره آل عمران که خداوند می‌فرماید «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»، صفت میانه را به خیر و برگزیده تعبیر کرده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹۹)

اینکه چرا امت به خیر تعبیر شده است، چون ایمان به خدا و انجام دادن فریضه امر به معروف و نهی از منکر است: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که مراد از امت وسط، همه امت به معنای عام است و خداوند همه آنها را خیر

دانسته است؛ زیرا شهادت - چه در دنیا و چه در آخرت یا هر دو - بر همه امت به معنای عام، به کار نرفته است. در میان امت اسلام، کسانی اند که با صفاتی مانند فاسق، ظالم، جاهل و... وصف شده‌اند و نمی‌توان آنها را شاهد بر اعمال مردم دانست، بلکه مراد، گروه ویژه‌ای از مسلمانان‌اند. بحرانی به نقل از ابن‌ابی عمیر، حماد بن عیسی، و ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که حضرت فرمودند: «مراد از عبارت *أُمَّةٌ* در آیه ۱۱۰ از سوره آل عمران، اهل بیت پیامبرند (ص)». (بحرانی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۱۳۸)

بنابراین، بندگان برگزیده خدا - که وارث کتاب‌اند - اهل بیت رسول خدایند (ص). مراد از سابق بالخیرات، کسانی‌اند که در کارهای نیک بر دیگران پیشی می‌گیرند. این دسته از انسان‌ها، به جایگاه قرب الهی رسیده‌اند و به فرمان خدا، شاهدان قیامت‌اند. ولی خداوند در قرآن، برخی از مسلمانان متظاهر را با اوصافی مانند «*أَفْلا تَعْقِلُونَ*»، «*أَفْلا يَتَذَكَّرُونَ*» و «*أَفْلا تَتَفَكَّرُونَ*» شناسانده است و رسول خدا (ص)، بارها ناخشنودی خود را از آنها بیان داشته‌اند. بنابراین، خیر بودن و برگزیده بودن امت وسط، در بردارنده همه مسلمانان نیست و سست بودن این دیدگاه آشکار می‌شود؛ زیرا آنان با تظاهر به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص)، به افراط و تفریط‌هایی گرفتار شدند و دشواری‌هایی را در جهان اسلام پدید آوردند.

امت وسط، امتی میانه‌رو

گروهی امت را با امت‌های میانه‌رو دیگر در پایه‌های اعتقادی، عملی و... می‌سنجند. (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۳۱) آنها باور دارند که این اعتدال، امت اسلام را شایسته کرده است تا در روز رستاخیز بر ملت‌های دیگر گواه باشند. (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۴)

این دیدگاه نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا حضرت علی (ع) می‌فرماید: «امت هفتاد و سه فرقه می‌شوند. هفتاد و دو فرقه از آنها در آتش‌اند و فقط یک گروه نجات می‌یابند.» (غزالی، ۱۹۶۴م، ص ۸؛ سبحانی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۲۳) «این گروه، من و شیعیانم هستیم.» (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۳۷۰) بحرانی، این روایت را به قلم کلینی در کافی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۳)، در تفسیر عیاشی (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۴۵، ح ۱۲۱)، در تهذیب الکمال نوشته ابو صهباء بکری، در مناقب نوشته ابن شهر آشوب، در مجمع البیان (طبرسی،

۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۰۰)، در کشف الغمه، در مناقب خوارزمی، در امالی صدوق، در رجال نجاشی و از زبان سعید بن ابی جهم قابوسی لخمی - یکی از مخالفان - آورده است که مراد آیه ۱۸۱ از سوره اعراف، ائمه معصومین اند (ع). (همان، ص ۳۶۸)

هم چنین درباره پیروان حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) آمده است که پس از پیامبرشان، فرقه‌های گوناگونی گردیدند که فقط یک فرقه از آنها رستگار می شوند.

در تفسیر آیه ۱۸۱ از سوره اعراف که خداوند می فرماید «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»، روایتی از پیامبر (ص) آمده است که فرمودند: «در میان امتم، همواره گروهی بر حق پایدارند تا زمانی که عیسی نازل شود.» (همان، ص ۳۶۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۴۹)

این روایات، امت وسط را همه مردم نمی داند؛ زیرا بی درنگ پس از درگذشت پیامبر (ص)، جدایی امت نمایان شد و این امری بود که رسول خدا (ص) درباره آن هشدار داده بود.

امت وسط در منابع روایی و تفسیری اهل سنت

درباره امت وسط که خداوند شهادت آنها را در دنیا و آخرت می پذیرد، چند دیدگاه در میان اهل سنت بیان شده است:

۱. همه مسلمانان اند: روایاتی در این باره آمده است؛ مانند: «پیامبر (ص) بر سر پیکر بنی سلمه آمد و چون همه مردم به پاکی او گواهی دادند، پیامبر هم آن را پذیرفت.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۲۸)

«آن حضرت به قبیله دیگری رفتند و چون مردمان آنجا بر بدی بنی سلمه گواهی دادند، پیامبر (ص) فرمودند که دوزخ بر او واجب است!» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۵)

روایاتی در گواهی این دیدگاه بیان شده است که مراد از امت وسط، همه مسلمانان اند که خداوند شهادت آنان را درباره دیگران می پذیرد.

۲. در برخی از منابع روایی اهل سنت، مصداق امت وسط را اهل بیت دانسته اند. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۲۰)

۳. ولی گروهی از اهل سنت می گویند: از میان فرقه‌ها، یگانه گروهی که رهایی

می‌یابند، اهل سنت و جماعت‌اند؛ زیرا آنان اصحاب راه روشن حق‌اند که میانه‌بودن امت را آشکار نموده‌اند و مصداق امت و سطان‌اند. (صلابی، ۱۴۲۶ق، ص ۳؛ ترکی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹، غزالی، ۱۹۶۴م، ص ۸؛ براک، ۱۴۳۱ق، ص ۲۸)

این گروه باور دارند که بسیاری از مسلمانان - مانند شیعیان - از میانه‌روی بیرون رفته‌اند و فقط اهل سنت با پیروی از کتاب خدا و سنت پیامبر(ص)، با بدعت‌گذاری مخالفت کردند؛ پس، اینها مصداق امت و سطان‌اند.

این گروه، پیروان ابن تیمیه‌اند. اندیشه و هایت پیرو این دیدگاه‌اند که راه خود را از گروه‌های اسلامی دیگر، پاک جدا کرده‌اند.

امت وسط، ائمه معصومین اند(ع)

با نگرش به گفتار پیشین، مراد از امت وسط، همه مسلمانان نیستند؛ بلکه گروهی ویژه‌اند که به امر الهی هدایت امت را پس از پیامبر(ص) به عهده گرفته‌اند. این گروه، ائمه معصومین اند(ع). گواهی دادن رسول اکرم(ص) بر اعمال مردم، به پهنای گستره رسالت او - یعنی سراسری و همیشگی - است؛ از این رو، آن حضرت شهید الشهداست. آیه ۱۴۳ از سوره بقره، امت وسط را روشن نموده و بنیان امت وسط، شهادت بر مردم در قیامت است. بایسته است که چنین شهادتی در روز قیامت، علم به باطن اعمال و مقام عصمت باشد. مراد این است که ائمه معصومین(ع) در روز رستاخیز، جایگاهی همانند پیامبر(ص) دارند.

از ائمه معصومین(ع) درباره امت وسط روایاتی آمده است؛ مانند:

۱. بحرانی در ذیل آیه ۱۴۳ از سوره بقره، روایتی را از برید بن معاویه، از امام محمدباقر(ع) و عمر بن حفظه، از امام جعفر صادق(ع) آورده است که امت وسط در عبارت «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» را ائمه معصومین(ع) می‌شناساند. (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۰۰)

۲. امام محمدباقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسَطُ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَجِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ»؛ ما امت وسط و گواهان خدا بر خلق و حجت‌های او در زمین و آسمانیم. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۱)

۳. از حضرت علی(ع) روایت شده است که خداوند در آیه «تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى

النَّاسِ»، ما را در نظر گرفته است. پیامبر خدا(ص) گواه بر ماست، ما گواهان خدا بر مردمیم و ما حجت خدا روی زمینیم. (بحرانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲، ص ۴۹۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۱۲۲)

۴. ابی بصیر از امام صادق(ع) چنین آورده است که حضرت فرمود: «نحن الشهداء علی الناس بما عندهم من الحلال والحرام و بما ضیعوا منه»؛ ما یم شهدا بر مردم. اندازه حلال و حرام در دست اینهاست و اینکه چه اندازه از حلال و حرام را تضحیح کردند، ما همه آنها را می دانیم. (بحرانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲، ص ۴۹۹؛ صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۸۲)

بنابراین، گواهان بر مردم، جز پیامبر(ص) و امامان(ع) نیستند؛ یعنی ائمه(ع) میانجی فیض اند؛ چنان که پیامبر(ص) فرستاده خدا و میانجی فیض است. فیض خداوند با ابزارهایی به انسان می رسد که یکی از آنها معصومین اند(ع).

هم چنین مراد از امت وسط که گواهی آنان پذیرفته است، همان امتی است که استجابت دعای ابراهیم(ع) درباره آنان آمده است. آنان بهترین مردمی اند که خداوند برانگیخته است. در روایتی چنین می خوانیم:

عن ابی جعفر(ع): «إنما أنزل الله و كذلك جعلنكم أمّة وسطاً؛ یعنی عدلاً. لتكونوا شهداء علی الناس و يكون الرسول علیكم شهیداً. قال: «ولا يكون شهداء علی الناس إلا الأئمة والرسل؛ فأما الأمّة فإنه غیر جائز أن یستشهدها الله تعالی علی الناس و فیهم من لا تجوز شهادته فی الدنیا علی حزمه بقل.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳، ص ۳۵۱)

درونمایه این روایت، حصر است. اگر دلیل دیگری بر شهادت کسی به جز امام معصوم(ع) دلالت کند، این حصر اضافی بوده و تقییدپذیر است، و گرنه بر همان حصر حقیقی می ماند. استدلال روایت بر نبود اراده همه مردم از عنوان «امت وسط» است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ش، ج ۷، ص ۳۶۶)

اگر چنین پنداشته شود که خداوند از این آیه، همه مسلمانان از اهل توحید را اراده کرده، گمان نادرستی است؛ زیرا چگونه حکم می شود که کسی که شهادت او در دنیا بر یک من خرما پذیرفته نمی شود، خداوند شهادت او را در روز قیامت می طلبد و در پیشگاه همه امت های گذشته می پذیرد. مراد خداوند از آفریدگانش چنین نیست.

دو نکته درباره دعای حضرت ابراهیم(ع):

۱. منزّه بودن از گناه همه امت. این امر ناهمخوان است، مگر در ائمه معصومین(ع)؛
 ۲. ابراهیم(ع) از خداوند خواست که امتی مسلمان از فرزندانش به او ارزانی دارد. ولی همه مسلمانان از فرزندان حضرت ابراهیم(ع) نیستند. پس، همه مسلمانان را در بر نمی‌گیرد و امت بر فرزندان ابراهیم(ع) همخوان می‌شود.
- یکی از آیات مهم درباره شهادت ائمه معصومین(ع)، آیه ۱۰۵ از سوره توبه است که خداوند می‌فرماید:

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۱۰۵)؛ بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند.

در این آیه مراد از مؤمنان، ائمه معصومین اند(ع). بحرانی در ذیل آیه، این روایت را از امام جعفر صادق(ع) بازگو می‌کند: «هر بامداد، کارهای بندگان خوب و بد، به رسول خدا (ص) نشان داده می‌شود.» (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۷۱۲)

عبدالله بن ابان، این روایت را از امام رضا(ع) بازگو می‌کند: «به امام رضا(ع) گفتم که برای من و خانواده‌ام دعا کنید. حضرت فرمود: همانا اعمال شما در هر شب و روز به من نشان داده می‌شود. سپس حضرت آیه ۱۰۵ از سوره توبه را تلاوت کردند و فرمودند: به خدا سوگند، مراد از مؤمنان در این آیه، علی بن ابیطالب(ع) و ائمه معصومین اند(ع). (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۷۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، کتاب جهاد بانفس، ص ۳۶۷)

هم‌چنین بحرانی، این روایت را از برید بن عجلی، از امام باقر(ع) روایت می‌کند: «هیچ مؤمن یا کافری نمی‌میرد و در گور گذاشته نمی‌شود مگر اینکه عمل او به پیامبر(ص)، علی(ع) و نیز تا واپسین کسی که خدا اطاعتش را بر بندگان واجب کرده است، نشان داده می‌شود.» (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۴، ص ۷۱۶)

مراد در این آیه، دیدن با علم و معرفت است؛ یعنی خداوند اعمال را می‌داند و پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) و مؤمنان نیز به عمل انسان علم دارند و در پیشگاه خداوند به آن گواهی می‌دهند.

ویژگی شاهدان

یکی از ایستگاه‌های روز قیامت، ایستگاه شهادت است. در این ایستگاه، شاهدان بر اعمال انسان گواهی می‌دهند. شرط شهادت آن است که شاهد، نخست عمل را ببیند و به آن علم بیابد و آنگاه بر پایه دیده‌هایش گواهی دهد. این امر نشان می‌دهد که شاهدان روز رستاخیز، در دنیا دیدبان اعمال بندگان بوده‌اند، و گرنه شهادت آنها ارزشی نخواهد داشت. در زیر به چند ویژگی شاهدان می‌پردازیم.

شهادت به اذن پروردگار

در روز قیامت، همه آفریدگان در پیشگاه خداوندند و شفاعت هیچ کس پذیرفته نمی‌شود، مگر کسی که خداوند به او اذن داده باشد:

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (نبأ:

(۳۸)

روزي که «روح» و «ملائکه» به صف می‌ایستند و هیچ يك جز به اذن خداوند رحمان سخن نمی‌گویند و (آن‌گاه که می‌گویند) درست می‌گویند.

علی بن ابراهیم می‌گوید: «الرُّوحُ مَلَكٌ أَعْظَمُ مِنْ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ هُوَ مَعَ الْأَيْمَةِ (ع)»؛ روح، فرشته‌ای است که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است. روح با رسول خدا (ص) و با امامان (ع) همراه بوده است. (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۳۵۶؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۰۲)

روز قیامت، روز ظهور قدرت حق است که انسان‌ها را از هر سوی هراس فرا گرفته است. روزه‌روز ظهور حق نمایان‌تر می‌شود و کسی جرئت سخن گفتن ندارد، مگر کسانی که خداوند به آنان اجازه دهد. ماذونین شهادت فرشتگان، پیامبران و مؤمنان‌اند.

در روایات، «مؤمنان» به ائمه اطهار (ع) تعبیر شده است. امام صادق (ع) مراد از «مؤمنون» را علی بن ابیطالب (ع) می‌داند. (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۶۲) این اذن تشریفاتی نیست و نشانه فضیلت ماذونین است. افزون بر اهل بیت (ع)، این اذن به کسانی داده می‌شود که خود را به این درجه از حضور رسانیده باشند.

امام کاظم (ع) می‌فرماید: «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ قَالَ نَحْنُ

وَاللَّهُ الْمَادُّونَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْقَائِلُونَ صَوَابًا قُلْتُ مَا تَقُولُونَ إِذَا تَكَلَّمْتُمْ قَالَ نُمَجِّدُ رَبَّنَا وَنُصَلِّي عَلَى نَبِيِّنَا وَنُشْفَعُ لِشَيْعَتِنَا فَلَا يَزِدُّنَا رَبُّنَا؛ به خدا سوگند، مراد از «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا» ماییم که در روز قیامت به آنها اجازه داده می‌شود و سخن راست می‌گویند. به ایشان گفتم آنگاه که سخن خواهید گفت، چه می‌گویید؟ فرمود: پروردگاران را حمد می‌گوییم و بر پیامبر (ص) درود می‌فرستیم و برای شیعه خویش شفاعت می‌کنیم که پروردگاران بر سینه ما دست رد نمی‌زند (شفاعت ما را می‌پذیرد). (بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۳۵۶)

کسانی در پیشگاه خداوند اذن سخن گفتن دارند و می‌توانند به درستی سخن بگویند که بتوانند بر اعمال بندگان با ویژگی‌های ظاهری و باطنی آنها گواهی دهند. آیت علمی برای این دسته از انسان‌ها، مقام و جایگاه آنان است. این مقربان درگاه ربوبی، پیامبر (ص) و ائمه اطهارند (ع).

توانایی بر شهادت

کسی می‌تواند شهادت دهد که موضوع شهادت را دیده و دریافته باشد. در روز قیامت، این توانایی شهادت به عهده کسانی است که پنهان و آشکار، غیب و حضور، ظاهر و باطن برای آنان تفاوتی نداشته باشد. در زیارت امام حسین (ع) آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي»؛ گواهی می‌دهم که تو جای مرا می‌نگری و سخنم را می‌شنوی. (قمی، ۱۳۹۷ش، ص ۷۰۰)

خدا و پیامبر (ص) و مؤمنان، حقیقت اعمال انسان‌ها را می‌بینند. مراد از مؤمنان، گروهی ویژه‌اند، نه همه مؤمنان. به راستی برای همه کس، دیدبان‌هایی گمارده شده است که از اعمال ایشان آگاه شده و حقیقت آن را می‌بینند و در روز رستاخیز بر آن گواهی می‌دهند. بنابراین، کسانی می‌توانند شهادت دهند که بر آنچه در درون انسان‌ها می‌گذرد آگاهی داشته باشند. مراد، کسانی‌اند که هم در دنیا یا وقتی از دنیا رفته‌اند، بر همه آفریدگان احاطه علمی داشته باشند و هر عملی را با باطن و نیت آن عمل ببینند. این مقام را ائمه معصومین (ع) دارند.

نتیجه‌گیری

از مقاله حاضر نتایج ذیل قابل دستیابی است:

۱. با بررسی دیدگاه سید هاشم بحرانی درباره شاهدان روز قیامت، دانستیم که شهادت در روز قیامت از برای اتمام حجت با انسان است؛ بنابراین، باید با حقیقت همراه باشد و ویژگی‌هایی داشته باشد. بحرانی بر پایه روایات، ویژگی‌هایی را برای شاهدان و ناظران نام برده است؛ مانند جایگاه عصمت، علم به باطن اعمال، در شهادت خود خطانکردن و اینکه نظارت آنان، هم در زندگی دنیا و هم در روز قیامت باشد. به‌راستی امر شهادت، فقط شایسته مقام معصوم (ع) است.

۲. در روز قیامت، هر گروه و امتی بر اعمال خود شاهد و گواهانی دارند و این امر از مظاهر ولایت پیامبران و ائمه معصومین (ع) در این روز است. آنان با تصرف ولایی خود، نشانه‌های اعمال پلید و گناه را از روح مؤمنان دور می‌کنند و بر پله‌های معنویت آنان در روز رستخیز می‌افزایند.

۳. شهادت و ولایت پیامبر (ص)، فراتر از همه نظارت‌هاست و همه پیامبران و ائمه معصومین (ع)، زیر نظارت ولایت ایشان‌اند. پیامبر (ص) نخستین شاهد قیامت است و نه فقط بر امت خود، بلکه بر شاهدان نیز ناظر است. این شهادت، هم در زمان زندگی دنیایی و هم در مرگ آنان ادامه دارد و به‌راستی همه برکاتی که در زندگانی داشته‌اند، پس از مرگ ظاهری آنها، با همان ویژگی‌ها دیده می‌شود.

۴. شهادت پیامبران و ائمه معصومین (ع)، هم برای مؤمنان و هم برای کافران است. با اذن ولایی آنان، مؤمنان را به بهشت رهنمون می‌شوند و مجرمان را در دوزخ فرو می‌برند.

۵. بر پایه آیه ۱۴۳ از سوره بقره، یکی از گفتارهای روز قیامت، «امت وسط» است. در تعیین مصادیق آن چنددستگی به چشم می‌خورد: گروهی از مفسران، «امت وسط» را همه مسلمانان می‌دانند؛ گروهی دیگر، واژه «وسط» را در معنای عدل به کار می‌برند و «امت وسط» را «امت عادل» می‌دانند؛ و دسته‌ای، امت وسط‌رو یا امت خیر و برگزیده می‌دانند. از دیدگاه شیعیان، با اینکه آیه عام است و در عموم ظهور دارد، دربردارنده همه کسانی نمی‌شود که دعوت پیامبر (ص) را پذیرفته‌اند. بحرانی می‌گوید: «امت وسط، گروهی ویژه‌اند که به امر الهی هدایت امت را پس از پیامبر (ص) به عهده گرفته‌اند. آنها ائمه معصومین‌اند (ع) که شاهدان خدا بر مردم در دنیا و آخرت‌اند.»

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۹۹۷م)، التحریر و التنویر، دار سخنون، تونس.
۴. ابن عجبیه، احمد، (۱۴۱۹ق)، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، بی تا.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار التراث العربی.
۷. اندلسی، ابو حیان محمد، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
۸. امین اصفهانی، سیده نصرت، (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۸۹)، البرهان فی تفسیر القرآن، نهاد کتابخانه‌های کشور، تهران.
۱۰. براک، عبدالرحمن، (۱۴۳۱ق)، توضیح مقاصد العقیده الواسطیه لشیخ الاسلام ابن تیمیه، ریاض، دار التدمریه.
۱۱. برازش، علیرضا، (۱۳۹۴)، تفسیر اهل بیت (ع)، امیر کبیر، تهران.
۱۲. بروسوی، اسماعیل، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.
۱۳. بیضاوی، عبدالله، (۱۴۱۲ق)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. تاج آبادی، مسعود، (۱۳۹۶)، معادشناسی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. ترکی، عبدالله، (۱۴۱۸ق)، الامه الوسط و المنهاج النبوی فی الدعوه الی الله، ریاض، وزاره الشؤون الاسلامیه و الوقوق و الدعوه و الارشاد.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، احمد، (۱۴۲۲ق)، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
۱۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات.
۲۰. حسکانی، عبیدالله، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۲ق)، نور الثقلین، تصحیح رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، دار الهجره.
۲۴. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
۲۵. قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف اشرف، مطبعه المبارکه المر تضویه.
۲۶. قمی، عباس، (۱۳۹۷)، مفاتیح الجنان، قم، آیین دانش.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دار الکتاب.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مکتبه المر تضوی.
۲۹. زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۱۲ق)، تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت، دار الکتاب العربی.
۳۱. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۲)، بحوث فی الملل و النحل، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
۳۲. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مر عشی.
۳۳. شاذلی، سید قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
۳۴. صلابی، محمد، (۱۴۲۶ق)، الوسیله فی القرآن الکریم، بیروت، دار المعرفه.

۳۵. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل بیت (ع)*، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۲)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشاراتی.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
۳۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه.
۴۰. غزالی، محمد، (۱۹۶۴م)، *فضائح الباطنیه*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، کویت، دارالکتب الثقافیه.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸ق)، *بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۴. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۰۹ق)، *مواهب الرحمن*، بیروت، مؤسسه اهل آل‌البیت.
۴۵. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی‌تا)، *تفسیر مراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.